

نگاهی به اقتصاد جزیره کیش در دوره رونق تجاری (قرون پنجم تا هشتم هجری قمری)

امیر رضوان تبار^۱

فرهاد پروانه^۲

مریم صفائی^۳

چکیده

رفت و آمد دریانوردان و بازرگانان کشورهای مختلف به خلیج فارس، بتدریج مراکز بازرگانی مهمی در آن ایجاد شد. آثار و خرابه‌هایی که از وجود بنادر و شهرهای پرجمعیت در سواحل خلیج فارس در طول تاریخ بر جای مانده، دلیلی بر رونق اقتصادی این منطقه است. جزیره کیش یکی از محدود جزایر خلیج فارس است که بسبب داشتن منابع آبی و کشاورزی از سایر جزایر ممتازتر میباشد. جزیره کیش از لحاظ حاصلخیزی یکی از بهترین جزایر خلیج فارس است که از قدیم‌الایام باغها، نخلستانها و تاکستانهای آن معروف بوده است. در منابع تاریخی متعددی، همواره کشاورزی بعنوان یکی از شیوه‌های معیشتی مردم جزیره ذکر شده است. جزیره کیش طی سده‌های پنجم، ششم و هفتم هجری قمری بسیار آباد و پرجمعیت و مرکز سیاسی و تجاری و کشتیرانی خلیج فارس و نیز بندرگاه معتبر کشتیهای چین، هند، بصره، بغداد و غیره بوده است. در گذشته، صید مروارید در جزیره کیش رواج داشته و داد و ستد مروارید و نظارت بر آن در این جزیره در اختیار حاکم جزیره بوده است. بررسی جایگاه اقتصادی کیش در زمینه‌های کشاورزی، تجارت و بازرگانی و مروارید موضوعاتی هستند که در فرایند زمانی افول سیراف (قرن پنجم هجری) تا رونق هرمز (قرن هشتم هجری) در نوشتار حاضر به آن پرداخته خواهد شد.

کشاورزی جزیره کیش

اساس اقتصاد هر منطقه در هر زمان بر منابع ثروت آن متکی است و منابع ثروت چون با کار یعنی عامل انسانی توأم شود،

جزیره کیش یکی از جزایر مهم و استراتژیک خلیج فارس است. بررسی پیشینه تاریخی این جزیره نشان میدهد که موقعیت جغرافیایی، شرایط طبیعی و ارتباطی آن در جذب جمعیت و مطرح شدن بعنوان بارانداز و لنگرگاه بی‌تأثیر نبوده است. جزیره کیش به لحاظ واقع شدن در مسیر تجاری بنادر شمالی همواره مورد توجه حاکمان محلی و منطقه‌یی بوده است. بعد از اینکه سیراف از رونق افتاد، جزیره کیش توانست جایگاه قابل‌ملاحظه‌یی در میان دیگر قلمروهای ساحلی اقیانوس هند بدست آورد. نقش ملوک بنی‌قیصر، اتابکان فارس و ملوک طیبی را نمیتوان در رونق تجاری و بازرگانی این جزیره نادیده گرفت. نوشتار حاضر به بررسی جایگاه اقتصادی جزیره کیش در خلیج فارس در فاصله زمانی افول سیراف تا رونق هرمز (قرون پنجم تا هشتم هجری) میپردازد.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ جزیره کیش؛ اقتصاد؛ حکومت‌های محلی؛ رونق تجاری

مقدمه

خلیج فارس بسبب واقع شدن در مسیر خطوط عمده دریایی جهان، همواره در اغلب رقابتهای و تحولات اقتصادی شرق و غرب نقش مهمی را برعهده داشته است. در نتیجه

۱. کارشناس ارشد تاریخ گرایش مطالعات خلیج فارس؛ amirezvan@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)؛

farhad.parvaneh@yahoo.com

۳. پژوهشگر بنیاد ایرانشناسی؛ ma.safaei60@gmail.com

شده است. ابن خردادبه در این کتاب مینویسد: «در آن [جزیره کیش] نخل و دام وجود دارد و کشاورزی رایج است» (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۶). از این گفته چنین استنباط میشود که جزیره مذکور سابقاً خیلی بیش از امروز حاصلخیز بوده است و بخصوص جمعیت زیادی که در آنجا سکونت داشته، این گفته را تأیید میکند. ادریسی (ف. ۵۶۰ هـ.ق) در وصف از وضعیت جغرافیایی و کشاورزی کیش میگوید: «در شهر کیش، کشت و دامداری و گاو و گوسفند و باغ انگور زیادی وجود دارد و از آبهای آن مروریدی مرغوب صید میشود و از صحار تا این جزیره راه زیادی است» (ادریسی، ۱۹۹۴: ۱۵۷).

در این جزیره باغداری و پرورش درختان، همچون کشاورزی نیز سابقه‌ی طولانی دارد. کسانی که در قرنهای گذشته دیده‌ها و شنیده‌های خود را در مورد کیش ثبت کرده‌اند بر باغها و نخلستانهای این جزیره تأکید داشته‌اند.

توماس ریکس بنقل از سفرنامه بنیامین بن جناح در این زمینه مینویسد: «کیش با داشتن مرورید، مزارع حاصلخیز، تاکستان، برای زندگی جای مناسبتری از سیراف بود. باغها و انبارهای آن، بیشتر احتیاجات ساکنانش را رفع میکرد» (ریکس، ۱۳۵۰: ۴۱۵). ابن مجاور نیز در تاریخ مستنصری مینویسد: «در جزیره کیش نخلستانهای زیادی یافت میشود» (ابن مجاور، ۱۹۵۱: ۲۹۵).

یاقوت حموی (قرن هفتم هجری قمری) در کتاب برگزیده مشترک خود در مورد کشاورزی کیش میگوید: «جزیره قیس جزیره‌ی است در وسط دریا، میان عمان و فارس و جایی خوش‌منظر و زیبا و پر از بوستانها و نخلستانهاست» (یاقوت حموی، ۱۳۴۷: ۱۵۶). زکریا قزوینی در کتاب آثارالبلاد و اخبارالعباد (۶۷۴ هـ.ق) در توصیف نخلستانهای کیش نوشته است: «مرکز جزیره، شهری است خوش‌منظر و زیبا و بارویی مستحکم دارد. باغات میوه زیاد در پیرامون شهر هست» (قزوینی، ۱۳۶۶: ۵۳). در نزهةالقلوب (۷۴۰ هـ.ق) نیز در مورد کشاورزی کیش آمده است: «بر جزیره کیش زرع و نخل است و هوایش به غایت گرم است و آیش از باران که در مصالح جمع میشود» (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۳: ۱۶۳).

وضع اقتصادی هر ناحیه را شکل میدهد. موقعیت جغرافیایی هر منطقه و سهولت یا صعوبت وسایل و طریق مبادله کالا که محصول توأم شدن نیروی انسانی با وضع طبیعی است نیز در ترقی یا انحطاط وضع اقتصادی بسیار مؤثر می‌افتد.

خلیج فارس و جزایر آن بخصوص نواحی ایران نشین از دید منابع ثروت، بسیار توانگر است و این توانگری سبب شده که این نواحی از روزگاران بسیار قدیم محل توجه ایرانیان قرار گیرد و این قوم نیروی معنوی و جسمی خود را در آبادانی و استفاده از منابع ثروت آن بکار اندازند.

بنیاد کشاورزی بر دو عامل استوار است؛ خاک زراعتی و آب. این دو عامل، در کرانه‌های ایرانی خلیج فارس و برخی از جزایر آن به اندازه کافی وجود دارد و در زمانهای پیشین بسیار مورد بهره‌برداری قرار میگرفته است. استعداد منطقه خلیج فارس برای زراعت از نظر گرمی هوا و زیادی رطوبت نیز بسیار قابل توجه است (امام شوشتری، ۱۳۶۹: ۱۰۳).

کشاورزی در آغاز قرون وسطی در ایران مانند امروز در سراسر مشرق زمین، اساس حکومت و ستون اصلی موجودیت اقتصادی مردم را تشکیل میداد. تنها یک زندگی توسعه‌یافته صنعتی میتوانست در کنار آن از دید کلی اهمیت مشابهی برای اقتصاد ملی داشته باشد (اشپولر، ۱۳۶۹: ۱۹۲).

یکی از ویژگیهای شاخص کیش، امکانات منابع آبی و کشاورزی آن است؛ زیرا از دیرباز دارای قشر زراعتی و آب شیرین بوده است. وجود خاک زراعتی در کیش آن را از بسیاری از جزایر قابل سکونت خلیج فارس متمایز ساخته است؛ چنانکه بر اساس شواهد و مدارک تاریخی، در روزگاران گذشته این جزیره دارای باغها و نخلستانهای فراوان بوده، تا آنجا که محصولات را به دریانوردان میفروخته‌اند.

در منابع تاریخی کشاورزی همواره به عنوان یکی از شیوه‌های معیشت مردم جزیره ذکر شده است. قدیمیترین منبع که در آن مطالبی در مورد کشاورزی کیش وجود دارد، مسالک و ممالک است که در اوایل قرن سوم هجری نوشته

برای پی بردن به اهمیت بازرگانی و تجارت خلیج فارس و بنادر و جزایر آن، باید به این نکته توجه نماییم که شبکه راه‌های کاروان‌رو روزگاران قدیم از آسیای صغیر تا ماوراءالنهر - که شرح آن در کتابهای مسالک و ممالک آمده است - عموماً به کناره‌های شمالی و شرقی خلیج فارس منتهی میشد و این ممالک حتی محصولات ماورای دریای خزر نظیر پوستهای نرم از قبیل پوست روباه و خز و قاقم و سمور و سنجاب را برای مصرف و صادرات به این بنادر میفرستادند و در مقابل، کالاهای آن کشورها را میخریدند و از راه خلیج فارس وارد ایران میکردند و بدین ترتیب به کشورهای همجوار آن حمل میشد (امام شوشتری، ۱۳۶۹: ۱۱۶).

از جمله بنادر مهمی که در کرانه‌های خلیج فارس زمانی دارای اهمیت و رونق بود و از کالاهای مورد مبادله مالیات و عوارض گمرکی میگرفت و بعدها بواسطه عللی رو به انحطاط گذاشت میتوان به بنادر ابله، سوق بحر (دریا بازار)، سینیز، مهروبان، جنابه، سیراف، کیش و هرمز اشاره کرد.

مطالعه کتاب *التبصره بالتجاره* تألیف جاحظ و کتاب *البلدان* ابن‌فقیه همدانی نشان میدهد که کالاهای مذکور در زیر از راه خلیج فارس مبادله میشده است:

از چین: پَرَنده^۱، حَریر، ظروف چینی، کاغذ، مرگب، طاووس، زین اسب، نمد، دارچین و ریوند چینی (دارویی که به آن جین‌سینگ هم میگفتند).

از هندوستان: ببر، پلنگ، فیل و پوست آن، بوقلمون، صندل سفید^۲، آبنوس^۳، نارگیل، فلفل سیاه و عاج

از سیلان یا سراندیب: یاقوت

از ایران: زَره، بَرزکتان، گلاب و اقسام عطریات، انواع پارچه، شرابه‌های گوناگون، شیشه، خشکبار، سُرب، خاک سرخ، گل سیرافی، شکر، قند نبات، دیبا، خز، خُرما و

۱. نوعی پارچه ابریشمی بی‌نقش و ساده
 ۲. درختی کوچک از تیره صندلها که خاصیت دارویی دارد و بدلیل دارا بودن مکنیه‌هایی بر روی ریشکهای خود طفیلی گیاهان مجاور میشود.
 ۳. چوبی سیاه رنگ و سخت و سنگین و گرانها از درختی به همین نام

ابن بطوطه، جهانگرد معروفی که در قرن هشتم هجری به خلیج فارس سفر کرده، درباره باغهای کیش مینویسد: «کیش شهری بزرگ و نیکو و باغهای عالی دارد که انواع گلها و درختان سرسبز در آن بعمل می‌آورند. آب خوردنی کیش، از چشمه‌هایی است» (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۳۰۶).

این توصیفات همگی نشان میدهند که کشاورزی و باغداری در کیش نه تنها در دوره رونق اقتصادی آن، بلکه در دوره‌های نخستین اسلامی نیز نقش عمده‌یی در اقتصاد خلیج فارس و همچنین تأمین معیشت بومیان جزیره داشته است.

تجارت و بازرگانی

بازرگانی، یکی از مؤثرترین انواع تجارت بین ملل و اقوام گوناگون در طول تاریخ بوده است. در دوران قدیم و قرون وسطی بازرگانی رونق خاص خود را داشته است؛ چنانکه یک بازرگان کارش این بود کالایی را از بازار بخرد و آن را بواسطه اسب و شتر و یا کشتی در بازار دیگری بفروشد. یک بازرگان، گاهی کارش از خرید و فروش کالا فراتر میرفت و پیامهای شاهان را از جایی به جایی دیگر میبرد و یا در نقش یک کاشف سرزمین ظاهر میشد و زمانی فرهنگ یک سرزمین را به سرزمینی دیگر منتقل میکرد. یکی از کتابهای مهمی که در زمینه نحوه آغاز تجارت و بازرگانی دنیای قدیم و نیز نحوه ارتباط فرهنگی بین غرب و شرق نوشته شده کتابی مستند تحت عنوان *مزایای دریای اریتره* است که توسط یک بازرگان گمنام در سال ۶۷۰م نوشته شد و جزء اولین منابع مدون درباره تجارت غربیها در مشرق زمین از طریق کانالهای تحت اداره آنها میباشد. همزمان با نگارش این کتاب، تجارت از طریق دریای سرخ رواج و رونق فراوانی داشت. بازرگانان تمام شبه جزیره عربستان، سواحل خلیج فارس، سواحل هند، تا رود گنگ را به سمت شمال خلیج بنگال میگشتند؛ جایی که امروزه کلکته در آن قرار گرفته است. نگارنده این کتاب سعی کرده تجار و بازرگانان را تا بازارهای واقع در اقیانوس هند راهنمایی کند. این کتاب، شرایط بنادر، بازارها، مشتریان و محصولات تجاری و زمان تجارت این محصولات را یادآوری میکند.

بلاد هند و سند و اقصی چین و ترکستان در معرض فرض آن عرض میکنند و غرایب و طرایف و نفایس و نتائف مصر و شام و منتهی قیروان در رسته من یرید آن رونق می‌یابد و وجوه مکاسب و مراتب در برار و بحار و نظام و زینت بقاع و اصقاع بوجود آن در حیز حصول می‌آید» (وصاف‌الحضرة، ۱۳۳۸: ۱۷۰).

بنیامین تودلایی که سفرش را از ایتالیا برای آشنایی با جوامع یهودی دنیای آن روز آغاز کرده بود دربارهٔ بازرگانان ممالک مختلف و انواع کالاهای وارداتی به کیش مینویسد: تاجران هندی کالاهای خود را مثل ادویه‌جات برای فروش به اینجا می‌آورند. تجار جزایر دیگر و همچنین تاجران بابل، یمن و ایران نیز کالاهایی مثل ابریشم، ارغوان، کتان، پشم، گندم و جو و انواع کالاهای دیگر و همچنین انواع حبوبات خود را با خود به جزیره می‌آورند و در معاملات به فروش میرسانند. بومیان جزیره نیز از راه دلالی و واسطه‌گری میان تجار زندگی خود را تأمین میکنند (بنیامین تودلایی، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

این توصیف بخوبی بیانگر آن است که در این زمان کیش جایگزین سیراف شده و نقش تجارت و بازرگانی آن را ادامه داده است. بعلاوه، بیانگر اهمیت و درجه شکوفایی این جزیره است. بی‌شک همین اهمیت است که سبب شد خلیفه مقتدری همچون ناصرالدین الله به آنجا توجه خاص مبذول دارد. در این زمان بنی‌قیصر نه تنها سلطان دریا بودند، بلکه بخشی از بنادر و سواحل را به تفویض از جانب سلجوقیان در اختیار داشتند (وصاف‌الحضرة، ۱۳۳۸: ۱۰۲).

حکام بنی‌قیصر غیر از اینکه حاکمیت سیاسی جزیره کیش را در اختیار داشتند، در اقتصاد هم دخالت میکردند. البته دخالت آنها بحدی نبود که مانعی برای داد و ستد بازرگانی بوجود آورد. آنها سیاست تساهل و تسامح مذهبی و مدارا با همه گروه‌های نژادی را در برنامه کار خود داشتند. وجود پانصد خانوار یهودی و بازرگانانی از اقوام مختلف، نشان از این سیاست مدارا دارد. ملوک بنی‌قیصر انحصار برخی از کالاهای مهم و نظارت بر نحوهٔ مصرف آب را در اختیار داشتند.

دوشاب، پرده‌های بیضایی، لنگ دستمال ابریشمی، مُرکبات، جِل اسب و پالان استر و خر

از یمن: زرافه، کُندر، مَرَمکی^۱، بُردیمانی^۲

از مصر: روغن بلسان، کاغذ بَرَدی، دیبای مصری، کتان

از آفریقای شرقی: زَبَرَجِد، عاج، چوب ساج، میخک (اسدی، ۱۳۸۷: ۵۹).

با دقت در اقلام کالاهایی که نام برده شد و بهره‌گیری از کتب نویسندگانی نظیر جاحظ، ابن‌فقیه و استخری معلوم میشود که مهمترین کالاهای بازرگانی روزگاران قدیم میان کشورهای متمدن جهان مبادله میشده است و این اهمیت راه خلیج فارس را آشکار میسازد.

بعد از ویرانی سیراف و جایگزینی کیش، نه تنها از میزان حجم این کالاها کاسته نشد، بلکه به همین مقدار و تنوع ادامه یافت. ویرانی سیراف تأثیری بر کاهش کالاهای تجاری نداشت و حال که مرکزیت جدیدی در خلیج فارس شکل گرفته بود، تجار و بازرگانان نیز دامنه فعالیت‌های خود را گسترده‌تر نمودند.

جزیرهٔ کیش از اواخر قرن پنجم هجری جایگزین سیراف در تجارت خلیج فارس شد و این مرکزیت تا اوایل قرن هشتم هجری در اختیار این جزیره بود و بطور کلی عوامل سیاسی-اقتصادی مساعد، موقعیت جغرافیایی، عوامل استثنایی طبیعی از جمله هوای مساعد و فراوانی آب و وفور مراتع و نخلستانها و باغها، محیط مساعدی برای ترقی و پیشرفت آن فراهم میکرد.

جزیرهٔ کیش در دوره بنی‌قیصر بسیار آباد و پرجمعیت بود و علاوه بر حاکمیت سیاسی متمرکز، مرکز تجاری و کشتیرانی خلیج فارس و بندرگاه معتبر کشتیهای چین، هند، سند و ترکستان بود و به گواهی تاریخ وصاف است: «مجلوبات

۱. نوعی درخت مر

۲. برد یمانی منصوب به یمن

میکنند. خوراک آنها شامل نان گندم، گوشت گوسفند، ماهی و خرماست و برنج مصرف نمیکند. کشور آنها مروارید و اسبهای اصیل تولید میکند. هر سال مردمان تا شی شترهایی با بار گلاب، گل‌های گار دنیا، سیماب (جیوه)، روی خالص، شمس نقره، سنگرف، گیاهان رنگی قرمز و پارچه‌های پنبه‌یی مرغوب به کیش میفرستند. این کالاها در آستانه ورود به کیش بر روی عرشه کشتیها عرضه میشود تا با کالاهای دیگر کشورها بصورت پایاپای مبادله شود (خلیفه، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۵؛ به نقل از چائو- جو- کوا).

یاقوت حموی بارها از طرف اربابش برای سفرهای تجاری به جزیره کیش و عمان رفته بود. او کیش را لنگرگاه کشتیهای تجاری هند میدانند که برای مبادله کالا به آنجا رفت و آمد میکردند (یاقوت حموی، ۱۳۴۷: ۱۵۶).

در اوایل تشکیل حکومت بنی‌قیصر، آنها برای اینکه این جزیره بعنوان مرکز تجاری درآید و رقبای دیگر را از میدان بدر کنند، از سیاست زور استفاده میکردند. یکی از این رقبای تجاری عمان بود. عمان هم مانند سیراف و بصره از مهمترین بنادر اقیانوس هند در طی قرون متمادی بود. موقعیت آن در گوشه جنوب شرقی عربستان موجب گردید تا کشتیهایی که بسمت شرق اقیانوس هند میرفتند و یا از آنسو می‌آمدند، بعضاً در آن لنگر بیندازند و آنانکه به سوی غرب رفت و آمد میکردند غالباً در آن بندر متوقف میشدند (طاهری، ۱۳۸۸: ۴۴). ولی امرای کیش با حمله به آنجا، ارتباط تجاری مهمترین شهر آن، یعنی ضحار را با چین قطع کردند (ادریسی، ۱۹۹۴: ۱۵۶).

جزیره کیش در دوران اتابکان فارس در اوج شکوفایی قرار داشت. کیش در این دوره دارای بازارهای وسیع و کاروانسراهای بزرگ و مال‌التجاره‌های فراوان و مسافران زیادی بود.

شهر باستانی «حریره» واقع در اواسط شمالی جزیره با قدمتی هشتصد ساله، یادگار دوران شکوفایی و رونق اقتصادی- تجاری این محل است. این شهر روزگاری بعنوان بندری مهم و مرکز ارتباطی بین چین و ایران محسوب میشد که بعلت سرسبزی حریرگونگیش «حریر» نام گرفت و بعدها

کالاهای اساسی که بر آنها نظارت میشد، عبارت بود از ظروف سفالین و شاخه‌های خیزران. طلا از فلزاتی بود که کسی بدون اجازه حاکم حق خارج کردن آن را نداشت. طلایی که خارج میشد، باید نشان مخصوص حاکم بر روی آن منقوش میبود که به طلای نقطه‌دار معروف بود. درختان نخلی هم که در جزیره بود بعلاوه کاریزی که در باغ حاکم قرار داشت، در انحصار آنها قرار داشت (ابن‌مجاور، ۱۹۵۱: ۲۹۸). به احتمال قوی منظور ابن‌مجاور از ظرفهای سفالین، کارگاه‌های کوزه‌گری بود که متعلق به حاکم بود. این کارگاه‌ها ظروفی مشابه ظروف چینی تولید میکردند و شاخه‌های خیزران نیز در ساخت و تعمیر کشتیهای تجاری استفاده میشد.

در سده ششم هجری قمری، با توسعه شیراز در زمان سلطنت اتابکان سلجوقی، عطر و پرورش ابریشم در فارس برای بازرگانان کیش درآمد فراوانی تأمین میکرد. عاج و ساج آفریقای شرقی، پوست و عنبر از سواحل سومالی در بازارهای کیش با مروارید، قماش، خرما و ماهی خشک خلیج فارس مبادله میشد.

چائو- جو- کوا که در دوران زمامداری سلسله سونگ در چین، بازرس تجارت دریایی ایالت فو- کین و بندر معروف آن یعنی بندر زیتون بود، در کتابش بنام توصیف مردمان بیگانه اشاره‌یی نیز به جزیره کیش دارد. او از کیش، به نام کشور (کی- شی) نام میبرد و وضعیت سیاسی، رنگ چهره مردم، نوع پوشش و تغذیه و تجارت ساکنان آنجا را شرح میدهد و مینویسد:

کشور کی- شی، جزیره کوچکی در دریاست. در ساحل تا- شی (ایران) که از آنجا تا کی- شی نصف روز فاصله است، شهرهای کمی دارد. هنگامی که پادشاه سوار بر اسب بار عام میدهد، در حالی که چتری سیاه بر بالای سرش قرار دارد، یک صد ملازم او را همراهی میکنند. مردم این سرزمین سفیدپوست هستند و قدی حدود هشت فوت دارند. آنها زیر دستار خود کلاهی میپوشند که هشت فوت درازا دارد و نیمی از آن از پشت آویزان است. لباس آنها ردایی با طرح خارجی و روپوشی از جنس ابریشم روشن است و کفش چرمی قرمز میپوشند. مردم این سرزمین [در تجارت] سکه‌های طلا و نقره استفاده

بعلت دشمنی آنها با مغولان چغتایی خطرناک بود و تجاری که در این مسیر رفت و آمد میکردند، در معرض خطر قرار داشتند (Ibid: 61).

در دوران شکوفایی کیش، خاندان طیبی سهم عمده‌یی در تجارت خلیج فارس داشتند و بواسطه روابط نزدیکی که با حاکم معبر داشتند، باعث رونق بازرگانی کیش و بهره‌مندی تجار و بازرگانان کیش از مزایای این رابطه شدند. سرانجام خاندان طیبی در رقابت با ملوک هرموز بطور کلی از عرصه اقتصادی خلیج فارس حذف شدند. همراه با حذف طیبیها از صحنه تجارت جزیره کیش، این جزیره نیز از محوریت اقتصادی خلیج فارس خارج شد و بجای آن، جزیره هرموز یکه‌تاز میدان گردید.

مرورید

اگر در عصر فعلی، اقتصاد متکی بر نفت را شاه‌رگ اقتصادی خلیج فارس بدانیم، قرن‌ها قبل از کشف آن، صید مرورید و بازرگانی آن مهمترین فعالیت اقتصادی در سراسر خلیج فارس را تشکیل میداد. این امر بویژه در بخش جنوبی این جزیره چشمگیرتر بوده است. مرورید تنها منبع ثروت و بزرگترین زمینه اشتغال ساحل‌نشینان را فراهم آورده بوده است. سابقه صید مرورید در اعماق خلیج فارس را باید مقارن با زمانی دانست که بشر اولیه برای نخستین بار در کنار این خلیج ساکن شد و برای تأمین نیازهای اولیه، پا به اعماق دریا گذاشت و پس از آشنایی با صدف و صید آن به ارزش مرورید پی برد. اصل مرورید مدتها مجهول بوده است؛ بطوری که از کتب مختلف برمی‌آید، مدتها آن را اشک ملائکه و قطرات اشک ونوس میدانستند و بعضی هم آن را بخاطر تالو خاصش اجتماعی از ذرات مادی میپنداشتند (دهخدا: ذیل واژه مرورید، ۱۳۵۱: ۲۰۷۱۳).

قدیمیترین سند تاریخی درباره مرورید به متن شوچینگ از کنفوسیوس (۴۷۹-۵۵۲ ق.م) برمیگردد. در ایران، اشارات مربوط به استفاده از مرورید بر روی کوزه‌های زیرزمینی که با خط میخی بر روی آنها نوشته شده و یافت شده است مربوط به دو هزار سال قبل از میلاد میباشد (مختارپور، ۱۳۷۹: ۱۳۶).

در اثر زلزله شدیدی ویران شد. ظروف سفالی و سکه‌های قدیمی یافت شده در خرابه‌های این شهر نشان از اوج رونق تجاری و اقتصادی کیش دارد (اسدی، ۱۳۸۷: ۶۱).

سعدی شیرازی که در زمان رونق کیش به آنجا سفر کرده و احتمالاً در شهر حریره نیز توقف داشته است داستانی می‌آورد که از مطالعه آن بخوبی میتوان به موقعیت و اهمیت تجاری و بازرگانی کیش پی برد و نتیجه گرفت که بازرگانی، با چنان توانمندی اقتصادی و تجاری در آن زمان در یکی از پایانه‌های تجاری منطقه رفت و آمد و فعالیت میکردند است.

در زمان اتابک ابوبکر برای به مرکزیت درآوردن بیشتر تجارت در کیش تلاشهایی صورت گرفت. او حتی در راستای این حرکت، سواحل قطیف، بحرین، عمان و احساء را نیز تصرف نمود تا مانعی برای تجارت در کیش بوجود نیاید (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۱۲۷).

در تجارت دریایی خلیج فارس مجموعه‌یی از سوداگران بزرگ فعالیت میکردند که در نتیجه بهره‌مندی از عصر شکوفایی بازرگانی منطقه، به ثروت و امکانات مادی گسترده دست یافته بودند. این افراد مرکز ثقل تحولات اقتصادی سرحدات آبی جنوب بودند و بخش بزرگی از تکاپوهای تجاری زیر نظر و مدیریت آنان صورت میگرفت؛ خاندان طیبی از این دسته بودند. ملک الاسلام، از بازرگانان بزرگ خلیج فارس بود که با چین و هند تجارت میکرد و با در اختیار گرفتن حکومت فارس و جزایر، دامنه این تجارت گسترده‌تر شد و از خلیج فارس تا سواحل چین، هند و مالابار محدوده تجاری او و خانواده‌اش بود. فخرالدین، پسر بزرگ ملک الاسلام که از طرف غازان به دربار خان مغول در چین اعزام شده بود، در این کشور به تجارت پرداخت. او مرورید و جواهرات و اجناس دیگری و همچنین قسمتی از گنجینه‌های پدرش بعلاوه ده تومان طلا که غازان به او داد برای تجارت به چین برده بود و در مدت چهار سال که در آنجا اقامت داشت، تجارت موفق به راه انداخته بود (Kauz, 2006: 64-65). البته باید متذکر شد که ایلخانان ایران، تجارت دریایی با امپراتوری مغول در چین را تشویق میکردند؛ زیرا تجارت زمینی از طریق شمال شرق،

سعدی نیز در خصوص حاصل شدن مروارید از قطره باران میگوید:

یکی قطره باران ز ابری چکید
 خجل شد چو پهنای دریا بدید
 که جایی که دریاست من کیستم
 گر او هست حقا که من نیستم
 چو خود را بچشم حقارت بدید
 صدف در کنارش بجان پرورید
 سپهرش بجایی رسانید کار
 که شد نامور لوء لوء شاهوار
 بلندی از آن یافت کو پست شد
 در نیستی کوفت تا هست شد
 (سعدی، ۱۳۷۵: ۴۳۰).

مؤلف *عرایس الجواهر* دربارهٔ تشکیل مروارید مینویسد:
 در افواء خاص و عام مشهور است کی به هنگام وقوع باران
 نیشان (اردیبهشت) اصداف با روی آب آیند، دهن باز گشاده و
 قطرات باران را میگیرند، و چون قطرات باران به باطن اصداف
 میرسد به خاصیتی که قدرت ازلی در جوف اصداف تعبیه کرده
 مروارید تولید میشود و در جوف صدف تربیت و نمو می‌یابد تا
 به حد معین میرسد (کاشانی، ۱۳۵۵: ۸۶).

همچنین وی نظر دیگری از زبان مردم ارائه میدهد که
 علمی تر است و میگوید: «و جماعتی گفته‌اند: مروارید صدف را
 به منزلت لعاب دهان است کی پیوسته آن را در دهان میدارد»
 (همان: ۸۶).

مؤلف *تنسوخ‌نامه* ایلخانی انواع مروارید را چنین بیان
 میکند:

۱. سفید آبدار: هر مرواریدی که سفید و آبدار و باطراوت باشد، مانند ستاره است که به آن شاهوار و نجم و (عیون) و خوشاب و (مدحرج) هم میگفتند.
۲. تبتی: کمی به رنگ زرد است.
۳. وردی: مرواریدی که کمی زرد است، ولی سرخ رنگ بچشم می‌آید.
۴. طاوسی: کمی سفید متمایل به سبز است.

فرهنگ لغت معین درباره صدف و مروارید میگوید: صدف نامی است که به نرم‌تنان دوکفه‌یی (گوش ماهیها) بخصوص صدف خوراکی و صدف مروارید اطلاق میشود و جانوری نرم‌تن از ردهٔ «لامی برانشها»^۱ و از راستهٔ «آنیزومیره‌ها»^۲ است. بگونه‌های فسیل شده صدف خوراکی و صدف مروارید «حجر خزفی» نیز اطلاق میشود (معین: ذیل واژهٔ صدف)، اما همین فرهنگ لغت دربارهٔ مروارید چنین توضیح میدهد: جسم جامد و کروی شکل و براق و نسبتاً سختی که از انجماد ترشحات مخاط بدن انواعی از نرم‌تنان دوکفه‌یی بنام صدف [حاصل میشود]. مروارید حول جسم خارجی (یک ریزه شن یا نوزاد برخی کرمها و نیز ماده‌یی مترشحه که حول مزاحم بدن حیوان باشد) بوجود می‌آید. ماده مترشحه حول جسم خارجی صدف مروارید بنام «ناکر»^۳ خوانده میشود. این ماده مترشحه (ناکر) بشکل طبقات متحدالمرکز، جسم خارجی را فرا میگیرد. طبقات ناکر که برمرور زمان حول جسم خارجی را فرا میگیرند کم‌کم بر حجمشان افزوده شده، به بزرگی یک فندق و گاهی درشت‌تر هم میشوند. ترکیبات شیمیایی ناکر عبارتست از «کربنات دو کلسیم» و یک ماده آلی بنام «کونشیولین»^۴. پیدایش مروارید در بدن صدف بطور طبیعی و کاملاً تصادفی است و الزاماً باید یک جسم ریز خارجی وارد بدن حیوان بشود تا او بمنظور دفاع ماده ناکر را حول این جسم خارجی ترشح کند (معین: ذیل واژهٔ مروارید، ۱۳۷۱: ۴۰۴۷).

در گذشته دربارهٔ چگونگی تشکیل مروارید آراء مختلفی مطرح بود. در ادب فارسی و عربی، افتادن دانه باران در صدف را عامل تشکیل مروارید میدانستند؛ چنانکه تجلی پور به نقل از *عجایب مخلوقات* آورده است: «بادهای بهاری ترشحات آب از دریای اوقاس (مدیترانه) بردارد و به دریای خلیج فارس آرد و در جزو آن رشحات یک آب لزج شبیه زببق موجود است، آن قطره آب را مانند منی که رحم به خود جذب مینماید، صدف به خود جذب کرده، تولید مروارید شود. هر گاه قطره بزرگی است، مروارید بزرگی پیدا خواهد شد» (تجلی پور، ۱۳۶۲: ۳۵).

1. Lamellibranches
2. Anisomyaires
3. Nacre
4. Conchioline

ابن بطوطه هنگام سفر به خلیج فارس، چگونگی صید مروارید را دیده است و شرح جالبی از کار غواصان و وسایلی که برای صید صدف، استفاده میکردند دارد:

مرکز صید مروارید بین جزیره کیش و بحرین در خلیج راکدی که همچون رودخانه‌ی بزرگ بنظر میرسد، واقع شده است. در ماه‌های آوریل و مه غواصان با زورق‌های متعدد به این ناحیه آمده به صید مروارید میپردازند. بازرگانان فارس و بحرین و قطیف هم برای خرید مرواریدهای صید شده به آنجا می‌آیند. غواص هنگام فرو رفتن به دریا، چهره خود را با پوششی که از استخوان سنگ‌پشت درست شده، میپوشاند و آلتی مقرض مانند که آن هم از آن استخوان ساخته شده بر دماغ خود نصب میکند و طنابی بر کمر میبندد و در آب فرو میرود.

قدرت مقاومت غواصان در زیر آب متفاوت است و برخی از آنان میتوانند تا یکی دو ساعت تمام زیر آب بمانند. غواص چون به قعر دریا میرسد، در میان سنگ‌های کوچکی که بر روی ریگها قرار گرفته به جستجوی صدف میپردازد و آن را با دست یا با آلت آهنین مخصوصی که دارد قطع کرده، در کیسه‌ی چرمین که بر گردن خود آویخته می‌اندازد و هرگاه نفسش تنگ شد، طناب را حرکت میدهد تا رفیق او که در بیرون، سر طناب را بدست دارد، او را بالا بکشد. پس از شکافتن صدف، گوشت پاره‌ی از درون آن درمی‌آید که آن را قطع میکنند. این گوشت پاره در مجاورت هوا حالت جمادی به خود میگیرد و مروارید میشود. از کلیه مرواریدهایی که صید میکنند، خمس آن متعلق به سلطان است و بقیه را بازرگانان میخرند و اغلب بازرگانان مروارید را پیش خرید میکنند و غواصانی که بدهکار باشند، هر چه در صید بدست می‌آورند در ازای دین خود به طلبکاران میدهند (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۳۰۶).

لازم بذکر است که تجارت مروارید یکی از پیچیده‌ترین حرفه‌های جهان قدیم بشمار میرفته است. بازرگان یا تاجر باید ماتریس پیچیده‌ی که شامل نوع مروارید، رده‌بندی برحسب اندازه، رده‌بندی برحسب وزن و عیار، رده‌بندی از نظر شکل و رده‌بندی بر اساس رنگ بود را برای محاسبه قیمت مروارید در

۵. فقاعی: با وجود سرخی اندکی که دارد، تیره رنگ است.

۶. شمعی: میان زردی و سبزی است.

۷. رمادی: به سیاهی میزند.

۸. زیتونی: تیره است ولی به رنگ زیتون میباشد.

۹. حصّی: بدترین نوع مروارید است که حالت سفیدی بی‌آب دارد (نصیرالدین طوسی، ۱۳۴۸: ۹۰).

محمد طوسی همدانی نیز درباره مروارید مینویسد: لؤلؤ جوهری است خجسته و نافع و در احوال باشد، روشنائی چشم دهد، اگر در معجون سایند دل را تقویت و تضحیح دهد، بعضی زرد بود و بعضی سیاه و بعضی سپید، علت زردی و سیاهی آن است که صدف به تموز بیرون آید و بخاری فاسد به وی رسد و در طبع لؤلؤ سرد و تر است به درجه دوم، خون دل صافی میکند و مروارید استخوان است، از آتش سوخته‌تر میشود. بوی خوش وی را تباہ کند (طوسی همدانی، ۱۳۷۵: ۳۸۸).

زیستگاه‌های مروارید ایران بیشتر آبهای اطراف جزیره خارک، جزیره کیش، جزیره لاوان، جزیره قشم، آبهای بنادر شیبکوه، بستانه و در اطراف مجمع‌الجزایر بحرین بوده است.

در طول تاریخ، جزیره کیش از نظر صید مروارید شهرت بسیار زیادی داشته است. مرواریدهای آبهای این جزیره، همانند مرواریدهای دیگر نقاط خلیج فارس و با رنگهای گوناگون و عمر بسیار و درشتی، از بهترین مرواریدهای جهان بشمار میرفته است. مروارید جزیره کیش چهار گونه «یکه»، «گلو»، «بدله» و «ناعم» است.

کاشانی در عراش‌الجواهر به نقل از محمد بن نجیب بکران درباره مروارید کیش آورده است: بهترین مرواریدهای خلیج فارس را در هیارات جزیره کیش و بنادر شیبکوه در اطراف جزیره خارک و آبهای مجمع‌الجزایر بحرین بدست می‌آوردند که به قطری (یعنی منسوب به قطره باران) معروف بود (کاشانی، ۱۳۵۵: ۸۵).

و مرواریدهای این جزیره با گونه‌های مختلف از انواع بهترین مرواریدهای جهان بشمار می‌آمده است.

منابع فارسی کتب

- ابن بطوطه؛ سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- ابن خردادبه؛ مسالك و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، تهران: میراث ملل، ۱۳۷۱.
- ابن مجاور؛ صفه البلاد الیمن و مکه و بعض الحجاز المسماء به تاریخ المستبصر، تصحیح لوفگرین، لیدن: مطبعه بریل، ۱۹۵۱.م.
- ادیسی، محمد بن محمد؛ نزهة المشتاق فی اختراق الافاق، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة، المجلد الاول، ۱۹۹۴.م.
- اشپولر، برتولد؛ تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میراحمدی، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، جلد دوم، ۱۳۶۹.
- بنیامین تودلایی؛ سفرنامه تودلایی، ترجمه مهوش ناطق، انتشارات کارنگ، ۱۳۸۰.
- تجلی‌پور، مهدی؛ نرم‌تنان مرواریدساز خلیج فارس، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- حمدلله مستوفی، حمدلله بن ابی بکر؛ نزهة القلوب، تصحیح گای لیسترانج، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۴۰، ۱۳۵۱.
- سعدی؛ بوستان، شرح و حواشی خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۷۵.
- طاهری، محمود؛ سفرهای دریایی مسلمین در اقیانوس هند، چاپ دوم، مشهد: فانوس دریا، ۱۳۸۸.
- طوسی همدانی، محمدبن محمود؛ عجایب‌نامه (عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات)، ویراسته جعفر مدرس صادقی، تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۵.

نظر می‌گرفت و سپس با توجه به واحد محاسبه که در هر یک از مناطق خلیج فارس متفاوت بود، قیمت مروارید را محاسبه میکرد که شباهت به محاسبه نرخ تبدیل ارز در بانکداری امروز دارد. مثالی که در کتابهای تاریخی آمده پیچیدگی کار را روشن میکند؛ هر چند که با کشف نفت و ابداع تولید مصنوعی مروارید توسط ژاپنیها، صید مروارید امروزه در خلیج فارس تا حدودی فراموش شده است.

نتیجه‌گیری

موقعیت جغرافیایی هر منطقه و سهولت یا صعوبت وسایل و طریق مبادله کالا که محصول توأم نیروی انسانی با وضع طبیعی است، در ترقی یا انحطاط وضع اقتصادی بسیار مؤثر است. استعداد منطقه خلیج فارس برای کشاورزی از نظر گرمی هوا و زیادی رطوبت قابل توجه است. کشاورزی در ایران و جزایر حاصلخیز آن در گذشته، ستون اصلی موجودیت اقتصادی مردم را تشکیل میداد. جزیره کیش یکی از جزایر مهم خلیج فارس است که دارای امکانات آبی و کشاورزی خاصی میباشد و وجود خاک زراعی حاصلخیز در این جزیره آن را از سایر جزایر قابل سکونت خلیج فارس متمایز میسازد. شواهد و مدارک تاریخی از سده‌های نخستین اسلامی نشان میدهد که جزیره کیش دارای باغها و نخلستانهای فراوانی بوده است، تا آنجا که محصولات خود را به دریانوردان می‌فروخته‌اند. بعد از ویرانی سیراف و انتقال کانون تجاری آن به جزیره کیش، نه تنها از میزان و حجم کالاهای مبادله شده از راه خلیج فارس کاسته نشد، بلکه این کالاها بصورت متنوعتری وارد میشد. جزیره کیش به گواهی تاریخ وصاف در دوره بنی‌قیصر، آباد و پرجمعیت و مرکز تجاری و کشتیرانی خلیج فارس و بندرگاه معتبر کشتیهای چین، هند، سند و ترکستان بوده است. در سده ششم هجری قمری با توسعه شیراز در زمان سلطنت اتابکان سلجوقی، عطر و پرورش ابریشم در فارس برای بازرگانان کیش درآمد فراوانی تأمین میکرد. شهر باستانی حریره، یادگار دوران شکوفایی و رونق اقتصادی-تجاری جزیره کیش است. جزیره کیش در دوره خاندان طیبی سهم قابل ملاحظه‌ای در تجارت دریایی خلیج فارس با دیگر نواحی اقیانوس هند، بخصوص ایالت معبر داشته است. در طول تاریخ جزیره کیش از نظر صید مروارید شهرت زیادی داشته

مقالات

- اسدی، بیژن؛ «موقعیت ویژه اقتصادی و تجاری کیش»، در مجموعه مقالات خلیج فارس فرهنگ و تمدن، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه انسانی، ۱۳۸۷.

- امام شوشتری، سیدعلی؛ «منابع اقتصادی در خلیج فارس»، در مجموعه مقالات خلیج فارس، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۶۹.

- خلیفه، مجتبی؛ «تجارت دریایی خلیج فارس- چین در سده‌های میانه به روایت ناظر چینی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، وزارت امور خارجه، سال نهم، شماره ۳۶، ۱۳۸۷.

- ریکس، توماس؛ «دریانوردی در خلیج فارس و رابطه آن با آفریقای شرقی»، مجله فرهنگ ایران زمین، ج ۱۸، ۱۳۵۰.

منبع انگلیسی

- Kauz, Ralph; "The Maritime Trade of kish during the Mangol period", in Beyond the legacy of Genghis khan, Islamic History and Cirilization, Studies and Text, edited by Linda Komaroff, Leiden, Boston: Brill, 2006.

- غفاری قزوینی، احمد بن محمد؛ تاریخ جهان آرا، بکوشش مجتبی مینوی، تهران: کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۳.

- قزوینی، زکریا بن محمد؛ آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالرحمان شرفکندی، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان، ۱۳۶۶.

- کاشانی، عبدالله بن محمد؛ عرایس الجواهر و نفایس الاطالاب، بکوشش ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵.

- مختارپور، رجبعلی؛ دو سال با بومیان کیش، کیش: مؤسسه توسعه سیاحتی کیش، ۱۳۷۹.

- معین، محمد؛ فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد سوم، ۱۳۷۱.

- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد؛ تنسوخ‌نامه ایلخانی، مقدمه و تعلیقات مدرس رضوی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.

- وصاف‌الحضرة، عبدالله بن فضل‌الله؛ تاریخ وصاف‌الحضرة در احوال سلاطین مغول، به اهتمام محمدمهدی اصفهانی، تهران: کتابخانه ابن‌سینا، کتابخانه جعفری تبریزی، ۱۳۳۸.

- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله؛ برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۷.